

## تحلیل و بررسی علل تقابل یهودیان حجاز نسبت به دعوت اسلامی در عصر پیامبر اسلام (ص)

محمدعلی امینی<sup>۱</sup>، شهریانو دلبری<sup>۲</sup>، طاهره عظیم زاده<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران  
<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)  
tarikh\_2003@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول: tarikh\_2003@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

### چکیده

قبیله خزاعه در دوره جاهلیت به دلیل جمعیت قابل ملاحظه، امکانات مناسب، تجربه های مفید در کار تجارت و مناطق گسترده محل سکونت، از مهمترین قبایل حجاز به شمار می رفتند. پس از طلوع خورشید اسلام بر جزیره العرب، روابط آنان با پیامبر اکرم (ص) به دلیل پیمانی که در دوره جاهلیت با عبدالمطلب بسته بودند، محبت آمیز و با احترام متقابل همراه بود. این پیمان در گرایش خزاعه به اسلام تأثیر مهمی بر جای گذاشت. خزاعیان در صلح حدیبیه با مسلمانان هم پیمان شدند و در فتح مکه در قالب سپاهی مستقل حضور یافتند.

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، در دوره خلافت ابوبکر، با آن که برخی از بزرگان خزاعه با خلافت ابوبکر مخالف بودند، وی را در جنگهای رده یاری کردند. در دوره خلافت عمر، با گسترش فتوحات خلیفه نیاز به اعزام نیروهای بیشتری به مناطق مختلف داشت. بنابراین، خزاعیان در فتوحات مناطق مختلف از جمله عراق و ایران شرکت کردند. اصفهان بدست عبدالله بن بدیل از بزرگان خزاعه گشوده شد. اما در دوره خلافت عثمان به دلیل بدعت های خلیفه سوم از آموزه های قرآنی و سنت پیامبر (ص) و سپردن حکومت مناطق مختلف به بنی امیه، در صف مخالفان وی قرار گرفتند. تا آنجا که برخی از بزرگان خزاعه همراه معترضان مناطق مختلف راهی مدینه شدند. در جریان محاصره خانه عثمان که منجر به کشته شدن وی گردید، خزاعیان نیز حضور داشتند. پس از درگذشت عثمان، گروه بسیاری از خزاعیان در کنار دیگر معترضان از مهاجروانصار که تمایل به سپردن خلافت به حضرت علی (ع) داشتند، با امام علی (ع) بیعت کرده و در گروه شیعیان حضرت جای گرفتند.

در این پژوهش سعی شده است، دلایل و شواهد تشیع بنی خزاعه و نقش آن در حمایت از امام علی (ع) در حوادث دوره خلافت حضرت از جمله نبرد صفین مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین ماهیت تشیع بنی خزاعه با توجه به گرایشهای مختلف شیعیان کوفه در دوره خلافت امام علی (ع) معلوم گردد. یافته های پژوهش که مبتنی بر منابع دست اول کتابخانه ای جمع آوری شده است، نشان می دهد که تشیع خزاعیان را می توان تشیع اعتقادی دانست که بر حقانیت امام علی (ع) و فضیلت ایشان بر سایر مدعیان خلافت استوار بوده است. بنابراین در دوره خلافت امام علی (ع) در حوادث مختلف در کنار حضرت ماندند و ایشان یاری کردند. کلیدواژه: امام علی (ع)، قبیله خزاعه، تشیع، جنگ صفین.

در دوره جاهلیت شرایط جغرافیایی و اوضاع اجتماعی، اعراب را به همگرایی قومی و هویت قبیله ای سوق داده بود. پس از ظهور اسلام، رسول خدا (ص) تلاش کرد معیار تقوای الهی را جایگزین تعصبات قبیله ای نماید. اما بعد از رحلت پیامبر (ص) بار دیگر آتش اختلافات قبیله ای شعله ور گردید و در تحولات سیاسی و اجتماعی تاریخ اسلام، تأثیر مهمی بر جای گذاشت. بنابراین، یکی از شیوه های درک علل وقوع حوادث تاریخی صدر اسلام، بررسی نقش قبایل عربی در ایجاد و سرانجام آن است. از این دیدگاه، قبیله خزاعه جایگاه خاصی دارد. خزاعیان شاخه ای از قبیله بزرگ آزد یمن به شمار می‌رود. (ابن کلبی ۱۹۶۹: ۱۶۶/۲). هنگام مهاجرت از دبیان به مناطق شمالی جزیره العرب، خزاعه در اطراف مکه ماندگار شدند. به همین دلیل خزاعه به معنای جدا شده و بریده از جمع نامیده شدند. (ابن منظور ۱۹۹۰: ۷۰/۸). خزاعیان با بیرون راندن جُرهمیان، حدود سه قرن بر مکه حکومت کردند. (مسعودی ۱۴۰۹: ۱۷۶/۲). با آن که به آبادانی مکه اهتمام داشتند؛ عاقبت با قدرت گرفتن قریش، حاکمیت مکه را به آنان واگذار کردند. با این حال، به دلیل جمعیت، تجارب بازرگانی و وسعت مناطق سکونت در حجاز و تهامه، از قبایل تأثیرگذار به شمار می‌رفتند. خزاعیان در اختلافی که بین عبدالمطلب و عمویش نوفل بن عبدمناف در گرفت، با عبدالمطلب پیمان دوستی و اتحاد بستند. (واقدی ۱۹۶۶: ۷۸۱/۲).

پس از ظهور اسلام، خزاعیان با استناد به همین پیمان، روابطی دوستانه با رسول خدا (ص) برقرار کردند. در دوره خلافت ابوبکر بن فُحافه (م. ۱۳ه) در جنگهای رده مشارکت کرده و در دوره خلافت عمر بن خطاب (م. ۲۳ه) در فتوحات حضوری فعال داشتند. اما در دوره حاکمیت عثمان بن عفان (م. ۳۵ه) در صف مخالفان وی جای گرفتند. برخی از چهره های سرشناس خزاعه در واقعه کشته شدن عثمان حاضر بودند. پس از درگذشت خلیفه سوم، خزاعیان به ویژه خزاعه کوفه با هدایت بزرگان قوم، با حضرت علی (ع) بیعت کرده و در جمع قبایل شیعی عراق جای گرفتند. این نوشتار برآن است تا ضمن اشاره به شواهد تشیع خزاعه، تأثیر آن را بر مواضع سیاسی و اعتقادی خزاعیان به ویژه در حمایت از امام علی (ع) بررسی نماید و به این پرسش پاسخ دهد که تشیع خزاعه با توجه به گرایش های مختلف شیعیان عراق به شیعه سیاسی و شیعه اعتقادی چه ماهیتی دارد؟ از این دیدگاه تا کنون مقاله ای مستقل به چاپ نرسیده است. بیشتر مطالبی که در باره ی قبیله خزاعه منتشر شده اند، گزارشی از حضور آنان در حوادث تاریخی ارائه داده اند. اما به گرایش اعتقادی خزاعه که در موضع گیری سیاسی و ورود به منازعات اجتماعی تأثیر گذار است، کمتر توجه کرده اند. در این زمینه تنها می‌توان به مقاله رسول جعفریان با عنوان «نقش خزاعیان در گسترش تشیع در ایران» اشاره کرد. بیشتر مطالب این مقاله به مهاجرت خزاعه نیشابور و بیهق به منطقه ری و تبار شناسی خاندان ابوالفتح رازی خزاعی (م. ۵۵۴ه) اختصاص یافته است. عبدالقادر حروفش نیز در کتاب «قبیله الخزاعه فی الجاهلیة والاسلام» بدون بحث تفصیلی، اشاره مختصری به تشیع آل حروفش دارد که نسبشان به خزاعه عراق می‌رسد. یحیی عصمت عبدالعزیز هینه در رساله فوق لیسانس با عنوان «دور الخزاعه من فُجرا الاسلام الی النهایة العصر الاموی» که در دانشگاه أمّ القُری مکه دفاع کرده است، بدون بیان دلایل و شواهد کافی، خزاعه را از طرفداران عثمان و حامیان بنی امیه برشمرده و از قبایل سنی مذهب می‌داند. مطالب رساله عبدالعزیز هینه، بیانگر این نکته است که تبیین گرایش اعتقادی خزاعه و بر شمردن شواهد تشیع آنان در بازشناسایی حقایق تاریخی ضرورتی پژوهشی به شمار می‌رود.

#### ۱- شواهدی بر تشیع خزاعه:

برای قضاوت درباره ی گرایش مذهبی قبایل عرب در قرون اولیه اسلامی، می‌توان نقش آنان را در تحولات سیاسی و اجتماعی بررسی کرد و آنگاه به معیارهای درست ارزیابی دست یافت. مورخان و سیره نویسان روابط خزاعه و رسول خدا (ص) را محبت آمیز و همراه با احترام متقابل یاد کرده اند. (ابن هشام ۱۳۷۵: ۱۰۸/۳). گواه این مطلب، عملکرد آنان در حمایت از پیامبر اکرم (ص) در حوادث تاریخی صدر اسلام است. برای مثال، در جنگ احزاب گروهی از سواران خزاعه خود را به مدینه رساندند و خبر حرکت سپاه احزاب را به رسول خدا (ص) اطلاع دادند. (واقدی ۱۹۶۶: ۴۴۴/۲). خزاعیان در حوادث مهم دیگر از جمله صلح حدیبیه و فتح مکه حضوری تأثیرگذار داشتند. در دوره خلافت ابوبکر نیز در صف قبایل مُرتد قرار نگرفتند و از میانشان مدعی پیامبری برنخاست. با آن که بنی اسلم تیره ای از خزاعه در جریان تثبیت خلافت ابوبکر، به ایفای نقش پرداختند (طبری ۱۳۸۷: ۴۵۸/۲). بُریده بن حصیب اسلمی (م. ۶۳ه) و ابو بَرزه اسلمی (م. ۶۴ه) از مخالفان ابوبکر بودند. با این حال، به خاطر وحدت امت اسلامی سکوت کرده و خلیفه اول را در دفع آشوب قبایل مرتد و مدعیان پیامبری یاری کردند. عمر بن خطاب مراعات حال خزاعه را می‌کرد. زیرا گسترش فتوحات و نیاز به اعزام سپاهیان تازه نفس، خلیفه را ناچار ساخته بود از تمام قبایل عرب از شاخه عدنانی و قحطانی استفاده نماید. خلیفه دوم، عبدالله بن بُدیل بن ورقاء خزاعی (م. ۳۷ه) را برای فتح اصفهان فرستاد. وی اصفهان را به صلح گشود. (بلذری ۱۳۹۸: ۳۰۸/۱). عمر در نبود مردان خزاعی که در فتوحات شرکت داشتند؛ حساب و کتاب خزاعیان را به قُدید از مناطق سکونت آنان در تهامه می‌برد. (ابن سعد ۱۴۱۰: ۲۹۸/۳). وی نافع بن حارث خزاعی را مدتی به امارت مکه گمارد. (ابن حجر ۱۳۲۸: ۴۱۷/۳). بنابراین، خزاعه را می‌توان

از قبایل همراه پیامبر (ص) در صدر اسلام دانست که بعد از رحلت ایشان در راستای حفظ وحدت مسلمانان با خلافت ابوبکر و عمر همراهی کردند. اما در دوره خلافت عثمان شیوه تعامل آنان با حاکمیت وقت تغییر کرد. عثمان در سپردن مناصب حکومتی میان قبایل عرب تبعیض قائل می‌شد و بنی امیه را بر دیگران ترجیح می‌داد. به تدریج نارضایتی سایر قبایل از جمله خزاعه بالا گرفت و اعتراض‌ها به مرکز خلافت در مدینه کشیده شد. معترضان خواهان عدالت اجتماعی و عمل به آموزه‌های قرآن و احیای سنت پیامبر (ص) بودند. بسیاری از آنان تحقق این اهداف را در سپردن زمام حکومت به حضرت علی (ع) می‌دانستند. (ابن سعد ۱۴۱۰: ۳۱/۳). خزاعیان را می‌توان در بین این دسته جای داد. آنان پس از بیعت با امام علی (ع) در وقایع و حوادث دوره خلافت حضرت در کنار ایشان ماندند. از این دیدگاه خزاعه را می‌توان از قبایل شیعه کوفه به شمار آورد. برای تبیین این مطلب، شواهد و قراین تشیع خزاعه در محورهای زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۱. مخالفت با خلافت عثمان:

در سال‌های پایانی حاکمیت عثمان، روابط خزاعه و خلیفه سوم رو به تیرگی نهاد. دلیل آن عملکرد نادرست عثمان بود. وی، اعراب عدنانی به ویژه بنی امیه را بر سایر قبایل برتری داده و مناصب مهم حکومتی را به آنان سپرده بود. در نتیجه، قبایل قحطانی که در فتوحات عراق و ایران نقش کلیدی داشتند، به حاشیه رانده شدند. به همین دلیل، روابط بنی خزاعه به عنوان قبیله ای قحطانی با خلیفه سوم رو به سردی گرایید. در حالی که عمر حساب و کتاب خزاعه را شخصاً به قُدید از محل‌های سکونت خزاعیان می‌برد؛ خلیفه سوم حکم بن ابی العاص رانده شده رسول خدا (ص) را که به طائف تبعید شده بود، به مدینه فرا خواند و او را مأمور جمع آوری زکات خزاعه قرارداد. (مسعودی ۱۴۰۹: ۲۳۲/۲) مخالفت با شیوه خلافت عثمان تنها به قبایل قحطانی اختصاص نداشت. به نقل بلاذری، مردم در شش سال نخست خلافت عثمان بر کارهایش خرده می‌گرفتند. عثمان با مدارا و نرمی رفتار می‌کرد. (بلاذری ۱۴۰۰: ۵۱۱/۲). ولی در دوره دوم خلافت وی، نارضایتی مردم به اعتراض عمومی تبدیل شد. نخستین اعتراض‌ها از بزرگان صحابه آغاز شد. عمار بن یاسر (م. ۳۷هـ)، ابودر غفاری (م. ۳۲هـ)، مقداد بن أسود (م. ۳۳هـ) و عبدالله بن مسعود (م. ۳۲هـ) به عملکرد خلیفه و کارگزاران وی اعتراض داشتند. خلیفه اعتراض آنان را با خشونت پاسخ داد. اما مخالفت‌ها پایان نیافت. ابن اثیر نوشته است: «گروهی از صحابه ساکن مدینه به اصحابی که در اطراف بودند نامه نوشتند که اگر مایل به جهاد هستید بشتابید که خلیفه شما دین محمد را به تباهی کشانده است.» (ابن اثیر ۱۳۸۵: ۶۵/۳). این گزارش نشان می‌دهد، پیش از ورود معترضان از شهرهای مختلف به مدینه، مردم این شهر از عملکرد خلیفه سوم ناراضی بودند. طبری نامه ای از عثمان خطاب به معاویه نقل کرده که در قسمتی از آن چنین آمده است: «مردم مدینه کافر شده و از اطاعت من سرپیچی کرده و بیعت مرا شکسته اند. از مبارزان شام گروهی را نزد من بفرست.» (طبری ۱۳۸۷: ۱۱۳/۵). معاویه زیرک تر از آن بود که سرنوش خود را با خلافت رو به زوال عثمان پیوند دهد. بنابر این، هیچ اقدامی انجام نداد. ناراضیان خشمگین از کوفه، بصره و مصر به مدینه وارد شدند. برخی از چهره‌های تاثیر گذار بنی خزاعه نیز در بین معترضان بودند. عمرو بن حَمَق خزاعی (م. ۵۰ هـ) از فرماندهان سپاهی بود که از مصر آمده بودند. (یعقوبی ۱۳۷۹: ۱۷۶/۲). ابن سعد در باره جایگاه وی در میان معترضان مصری می‌نویسد: «مصری‌ها چهار سالار داشتند. عبدالرحمان بن عدیس بلوی، سودان بن حُمدان مرادی، ابن بَیَّاع و عمرو بن حَمَق خزاعی که همین شخص اخیر بر آن گروه غلبه داشت و گفته می‌شد سپاه عمرو بن حَمَق خزاعی» (ابن سعد ۱۴۱۰: ۳۶/۳). طبری نیز هنگام گزارش درگیری معترضان با محافظان خانه عثمان از حضور عبدالله بن بَدیل (م. ۳۷ هـ) در این واقعه سخن گفته و می‌نویسد: «مُغیره بن اُخنس ثقفی از خانه بیرون آمد و در حالی که رجز می‌خواند به معترضان حمله کرد. عبدالله بن بَدیل بن رقاء بر او هجوم برد و او را از پا درآورد.» (طبری ۱۳۸۷: ۱۱۳/۵). گزارشهای تاریخی از این دست که بر مخالفت خزاعیان با خلیفه سوم اشاره دارد، می‌تواند دلیلی بر تشیع علوی بنی خزاعه محسوب گردد. زیرا از همین مقطع تاریخی یکی از کاربردهای عام واژه شیعه آغاز می‌شود. گروهی به دلیل طرفداری از امام علی (ع) شیعه علی و گروهی به خاطر حمایت از عثمان شیعه عثمان نامیده شدند. (جعفریان ۱۳۶۸: ۲۲/۱).

### ۱-۲. بیعت با امام علی (ع)

پس از کشته شدن عثمان و در جریان بیعت مردم مدینه با حضرت علی (ع) که بسیاری از صحابه پیامبر (ص) در میانشان بودند (طبری ۱۳۸۷: ۴۲۹/۴)، بزرگان خزاعه از جمله عمرو بن حَمَق و عبدالله بن بَدیل حضور داشتند. بیعت آنان با امام علی (ع) از سر اخلاص و اعتقاد به حقانیت خاندان پیامبر (ص) صورت گرفت. این مطلب از سخنان عمرو بن حَمَق معلوم می‌گردد. وی در باره دلیل بیعت با حضرت علی (ع) خطاب به ایشان چنین می‌گوید: «به خدا من نه از آن رو تو را دوست دارم و با تو بیعت کرده ام که میان من و تو خویشاوندی است و نه قصد مالی دارم و نه خواستار چیره دستی و تسلطی هستم. بلکه از آن روست که پنج ویژگی در تو وجود دارد. تو پسر عموی رسول خدا (ص) و نخستین ایمان آورنده و همسر فاطمه دختر پیامبر (ص) و پدر خاندان پاکی هستی

که یادگار پیامبر(ص) در میان ما هستند. تو بهترین مرد مهاجر هستی که سهم عمده در جهاد از آن توست.» (نصرین مزاحم ۱۴۱۰: ۱۰۳). تأمل در سخنان عمرو بن حمق روشن می‌سازد که بیعت بزرگان بنی خزاعه با حضرت علی(ع) با آگاهی از حقانیت امام علی(ع) و برتری ایشان بر دیگر مدعیان خلافت صورت پذیرفت. باتوجه به تأثیرگذاری بزرگان قبایل بر دیگر افراد قبیله می‌توان تشییع بزرگان خزاعه را در گرایش خزاعیان به طرفداری از حضرت علی(ع) موثر دانست. مطلبی که در حوادث پیش رو از جمله نبرد صفین تحقق یافت.

### ۳-۱. فداکاری در صفین:

قبیله خزاعه در جنگ صفین، با شجاعت و اخلاص در صحنه‌های سخت نبرد ظاهر شدند. بزرگان قبیله از جمله عبدالله بن بدیل از فرماندهان ارشد سپاه امام علی(ع) به شمار می‌رفتند. خلیفه بن خیاط آرایش کلی سپاه امام را در میدان صفین چنین نوشته است: «پرچمدار سپاه هاشم بن عتبّه، برسواران عمار بن یاسر، بر پیاده‌ها عبدالله بن بدیل، در سمت راست اشعث بن قیس در سمت چپ عبدالله بن عباس، بر پیادگان سمت راست سلیمان بن صرد خزاعی، بر پیادگان سمت چپ حارث بن مرّه العبّدی.» (خلیفه بن خیاط ۱۳۱۲: ۱۱۷). به روایت ابن مسکویه، در یکی از روزهای سخت نبرد که آن را پنجشنبه نهم صفر ۳۷ هجری دانسته‌اند؛ امام علی(ع) با سپاه خویش به میدان آمد. در سمت راست عبدالله بن بدیل و در جناح چپ عبدالله بن عباس قرار داشت. (ابوعلی مسکویه ۲۰۰۰: ۵۲۲/۲). در دیدگاه ابن بدیل، معاویه مقصّر اصلی فتنه صفین به شمار می‌رفت. بنابراین، ضمن سرزنش دنیا طلبی شامیان خطاب به سپاه عراق چنین گفت: «ای مردمان، معاویه هرگز با علی بیعت نخواهد کرد. او مطیع و منقاد نمی‌شود. علی، برادر، دایی، جد و عموی مادر او را در جنگ بدر کشته است. به خدا گمان من چنین است اگر سر معاویه را با شمشیر پاره پاره کنید با علی بیعت نمی‌کند.» (ابن اعثم کوفی ۱۴۰۶: ۵۴۳/۲). سپس به قصد کشتن معاویه به محل استقرار وی هجوم برد. معاویه چون ناتوانی سپاهیان شام را در مقابله با عبدالله بن بدیل دید، توصیه کرد با پرتاب سنگ او را از پای در آورند. (نصرین مزاحم ۱۴۱۰: ۲۴۶). از دیگر بزرگان خزاعه در صفین، سلیمان بن صرد خزاعی(م. ۶۵ ه) است. وی مردانه در میدان جنگ ظاهر شد. دوظلیم حوشب بن طخمه حمیری فرمانده ارشد سپاه شام بدست او از پای درآمد. معاویه از این واقعه سخت رنجیده خاطر شد و بر لشکر شام فریاد زد: «مردانه روی به میدان جنگ آورید تا سلیمان را به قصاص حوشب بکشید. شاید با کشتن او دل داغیده ما آرام گیرد.» (ابن اعثم کوفی ۱۴۰۶: ۱۲۲/۲). عمرو بن حمق خزاعی نیز از فرماندهان ارشد سپاه عراق در جنگ صفین به شمار می‌رفت که فرماندهی خزاعه را برعهده داشت. در یکی از روزهای سخت جنگ آنچنان پایداری کرد که شمشیرش شکست. (ابن قتیبه دینوری ۱۹۶۰: ۱۸۷).

### ۴-۱. تشییع خزاعه در گزارش شرح حال نویسیان:

در بیشتر گزارش‌های صاحبان تراجم، از تشییع بزرگان خزاعه و هواداری آنان از حضرت علی(ع) یاد شده است. ابن حزم در شرح حال عمرو بن حمق، وی را از صحابه رسول خدا(ص) معرفی کرده و آن‌گاه می‌نویسد: «كَانَ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ» (ابن حزم ۱۴۰۲: ۲۳۸). عمرو بن حمق از جمله مخالفان خلیفه سوم در کوفه بود که به دستور وی به مصر تبعید شد. (طبری ۱۳۸۷: ۳۲۶/۴). او همراه معترضان مصری در جریان اعتراضات علیه عثمان به مدینه آمد. عمرو بن حمق بعد از بیعت با امام علی(ع) در تمام جنگهای دوره خلافت حضرت حضور داشت. (ابن حجر ۱۳۲۸: ۱۸/۴). عاقبت در سال پنجاه هجری به دلیل حمایت از قیام حجر بن عدی(م. ۵۱ ه) از کوفه متواری شد و در موصل به دست عوامل معاویه به شهادت رسید. به روایتی سر وی نخستین سر در اسلام بود که از شهری به شهر دیگر گردانیده شد تا عبرتی برای مخالفان معاویه باشد. (ابن عبدالبر ۱۴۱۲: ۲۵۸/۳). از دیگر بزرگان خزاعه که از شیعیان با اخلاص امام علی(ع) محسوب می‌شود، عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی است. وی از صحابه بزرگوار پیامبر اسلام(ص) به شمار می‌رود. قبل از فتح مکه مسلمان شد و در غزوات حنین، طائف و تبوک حضور داشت. (ابن عبدالبر ۱۴۱۲: ۸۷۲/۳). شیخ طوسی درباره او نوشته است: «از نخستین مهاجرانی بود که پس از کشته شدن عثمان با حضرت علی بیعت کرد.» (طوسی ۱۴۱۵: ۴۶). ابن اثیر وی را از برترین یاران امام علی(ع) و از پیروان سرشناس حضرت معرفی کرده است. (ابن اثیر ۱۳۷۷: ۸۰/۳). عبدالله بن بدیل در جنگ صفین از فرماندهان ارشد سپاه امام علی(ع) بود. وی هنگام هجوم به سرا پرده معاویه به شهادت رسید. معاویه وقتی جنازه او را دید؛ عبدالله را سالار خزاعه نامید و در توصیف دلوریش اشعاری خواند. (دینوری ۱۹۶۰: ۲۱۷). از سلیمان بن صرد خزاعی نیز به عنوان شیعه علی بن ابی طالب(ع) یاد شده است. در جاهلیت نامش یسار بود. پیامبر(ص) آن را به سلیمان تغییر داد. (ابن اثیر ۱۳۷۷: ۲۹۷/۲). بعد از کشته شدن عثمان با امام علی(ع) بیعت کرد. اما در جنگ جمل حضور نداشت. تا این که در نبرد صفین جبران کرد و رشادت و فداکاری بسیاری به نمایش گذاشت.

علاوه بر چهره های یاد شده؛ می توان به دیگر صحابه پیامبر (ص) از خزاعه اشاره کرد که در ردیف شیعیان حضرت علی (ع) قرار گرفتند. مانند خباب بن آرت (م. ۳۷ ه) وابسته خزاعه که از پیشگامان پذیرش اسلام در سال های نخستین دعوت پیامبر (ص) به شمار می رود. وی در کوفه درگذشت و امام علی (ع) بر جنازه اش نماز خواند. (ابن عبدالبر ۱۴۱۲: ۴۳۸/۲). ابو برزه اسلمی خزاعی نیز از شیعیان حضرت علی (ع) بود. به نقل ابن اثیر در جنگ های جمل، صفین و نهروان حضور داشت. (ابن اثیر ۱۳۷۷: ۱۹۵/۵). برخی از سیره نویسان او را در ردیف سلمان، مقداد، ابوذر و عمار دانسته اند. (برقی ۱۳۴۲: ۳). بریده بن حصیب اسلمی از صحابه پیامبر اکرم (ص) و از مخالفان خلافت ابوبکر نیز گرایش شیعی داشت. بریده هنگام بیعت با ابوبکر در سفر شام بود. پس از بازگشت به مدینه و اطلاع از خلافت ابوبکر، به احتجاج با او پرداخت و به عمر بن خطاب نیز شدیداً اعتراض کرد. (طبرسی ۱۳۶۸: ۱۹۰/۱). وی با ابوبکر بیعت نکرد و به منظور اعتراض مدینه را ترک کرده و به میان قبیله خود بازگشت. پرچی در میان قبیله نصب کرده و مردم را به اعتراض به خلافت ابوبکر و بیعت با علی (ع) فرا می خواند. (شریف مرتضی ۱۴۱۰: ۲۴۳/۳). از او روایت شده است که می گفت: «پیامبر (ص) به من، ابوبکر، عمر، طلحه و زبیر دستور داد تا به علی به عنوان امیرالمومنین سلام کنیم و ما چنین کردیم.» (مفید، بی تا: ۴۲). وی از روایان مورد اعتماد احادیث رسول خدا (ص) به شمار می رود. حدیث غدیر و حدیث رایت که به فداکاری حضرت علی (ع) در جنگ خیبر اشاره دارد، از وی نقل شده است. (ابن عبدالبر ۱۴۱۲: ۱۵۷/۱).

با توجه به نفوذ معنوی صحابه رسول خدا (ص) در عموم مردم، گرایش شیعی بزرگان بنی خزاعه در سایر افراد قبیله تأثیر گذار بوده است. کسانی مانند عبدالله بن بدیل، عمرو بن حمق خزاعی و سلیمان بن صرد علاوه بر این که صحابه پیامبر (ص) بودند؛ از افراد صاحب نفوذ در بین خزاعیان به شمار می رفتند. ابن حبیب در توصیف عبدالله بن بدیل نوشته است: «از افراد زیرک و فصیح به شمار می رفت. سروری و بزرگی در خزاعه به او ختم می شد. وی از دُهاة العرب بوده است.» (ابن حبیب، بی تا: ۱۸۴). ابن عبدالبر نیز در توصیف سلیمان بن صرد و تأثیری بر افراد قبیله اش می نویسد: «او شخصی فاضل و اهل دین و عبادت بود که میان مردمش منزلت داشت و بر قوم خود صاحب نفوذ کلام بود.» (ابن عبدالبر ۱۴۱۲: ۶۵۰/۲).

#### ۱-۵. شهرت خزاعیان به تشیع در ادوار مختلف:

در منابع تاریخی از دیر باز تا کنون، خزاعیان به عنوان قبیله ای شیعی و طرفداران اهل بیت (ع) یاد شده اند. معاویه در جنگ صفین هنگام حضور در کنار جنازه عبدالله بن بدیل او را بزرگ خزاعه دانسته و افزود: «اگر زنان خزاعه هم می توانستند با ما وارد جنگ شوند کوتاهی نمی کردند.» (طبری ۱۳۸۷: ۲۳/۴). به گزارش مسعودی، در جریان دست اندازی معاویه به قلمرو خلافت امام علی (ع) که به الغارات مشهور است؛ بسربن ارطاة فرمانده سپاه اعزامی معاویه، هنگامی که بر مدینه دست یافت، گروهی از خزاعیان را به دلیل هوا خواهی حضرت علی (ع) به قتل رساند. (مسعودی ۱۴۰۹: ۲۱۱/۳). مخالفت خزاعیان با حکومت معاویه در دوره حاکمیت وی ادامه یافت. به این دلیل از قیام حجر بن عدی حمایت کردند. قیام حجر ماهیتی شیعی داشت. طبری نوشته است که زیاد بن ابیه از برخی سران قبایل کوفه علیه وی گواهی جمع آوری کرد. در آن گواهی آمده بود: «حجر بن عدی ابوتراب را برحق می داند و بر او رحمت می فرستد. از دشمنان وی و کسانی که با او جنگیده اند بیزار می جوید.» (یعقوبی ۱۳۷۹: ۲۳۰/۲). حمایت خزاعه و همراهی عمرو بن حمق از سرآمدان این قبیله با قیام حجر بن عدی گرایش شیعی آنان را در این مقطع زمانی نشان می دهد.

بعدها که زمینه های مهاجرت مسلمانان به دیگر نواحی قلمرو اسلامی فراهم آمد؛ خزاعیان مهاجر به خراسان گرایش شیعی و محبت به خاندان رسول خدا (ص) را حفظ کردند و در مناطق محل سکونت خویش گسترش دادند. ازین خزاعه خراسان، خاندان های صاحب نام برخاستند که به علم و تقوا شهرت داشتند. ابن فندق در توصیف سادات و خاندان های صاحب نام بیهق، از بدیلیان نام برده و می نویسد: «از فرزندان بدیل بن ورقاء خزاعی اند و اجداد پدرم شمس الدین از سوی والده از آن جماعتند. ایشان فضلا و صلحا و علماء بودند.» (ابن فندق ۱۳۶۱: ۱۳۵). دسته ای از خزاعیان نیشابور و بیهق به ری مهاجرت کردند و در آنجا نیز در گسترش مذهب تشیع تأثیرگذار بودند. ابوالفتوح رازی از مفسران صاحب نام شیعه به این خاندان منتسب است. وی هنگام شرح واقعه بئر معونه که در سال چهارم هجری اتفاق افتاد؛ از نافع بن بدیل بن ورقاء خزاعی (م. ۴ ه) یاد کرده و می نویسد: «این مرد از پدران ما است.» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱: ۱۴۸/۵). عبدالجلیل قزوینی عالم قرن هفتم هجری هنگام نام بردن از قبایل شیعی، از خزاعیان نیز نام برده است. (قزوینی ۱۳۵۸: ۳۶۷). نورالله شوشتری در باره خزاعیان نوشته است: «خزاعیان قرناً بعد قرن از صحابه و تابعین و تبع تابعین همیشه از اهل ایمان و شیعه خاندان بوده اند.» (شوشتری ۱۴۰: ۱۳۵۴).

شهرت خزاعیان به گرایش شیعی تا کنون نیز باقی است. امروزه نسب قبیله خزاعل که در مناطق فلات مرکزی عراق سکونت دارند، به خزاعه می رسد. خزاعل عراق از قبایل شجاع و تأثیرگذار عراق به شمار می روند. جدّ اعلای آنان علی بن دعبل خزاعی (م. ۲۴۶ ه) است. آنان در دوره تسلط عثمانیان بر عراق

حکومتی مستقل در مناطق جنوبی عراق تشکیل داده‌اند. قبیله خزاعل در انقلاب مردم عراق در سال (۱۹۲۰م) علیه استعمار انگلستان مشارکت داشت. افراد قبیله نسبت به مذهب تشیع تعصب دارند و از ازدواج با غیر شیعه خودداری می‌کنند. (کحاله ۱۳۶۸: ۳۳۹/۲). نسب آل حَرْفُوش بعلبک لبنان نیز به خزاعه می‌رسد. آل حَرْفُوش مذهب شیعه امامیه دارند. به روایتی از عراق به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. به همین علت در قرن های متمادی ارتباطشان با خزاعه عراق قطع نگردیده است. (سعدون حماه، بی تا: ۲۵۵/۱). آل حَرْفُوش از دوره ممالیک تا سلطه عثمانی، قریب به سیصد و پنجاه سال در بخشی از لبنان حکومت محلی تشکیل دادند. در دوره عثمانی مناطق تحت نفوذشان، پناهگاه شیعیانی بود که از جور و ستم عثمانیان به این مناطق پناه می‌بردند. (محسن امین، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۲).

## ۲- ماهیت تشیع خزاعه:

شیعه در لغت بر مفهوم طرفدار و پیرو و اتفاق مردم بر اندیشه ای یکسان دلالت می‌کند. (زبیدی ۱۴۱۴: ۵۰۵/۵). در مفهوم اصطلاحی و کاربرد نخستین این واژه، اختلاف نظر وجود دارد. به روایتی پیامبر اکرم (ص) این واژه را برای دوستداران و هواخواهان حضرت علی(ع) به کار برده است. هنگامی که آیه ۷ سوره بینه معروف به خیر البریه که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ: همانا کسانی که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند، بهترین مخلوقات خداوند هستند.» نازل شد؛ پیامبر اکرم (ص) خطاب به حضرت علی(ع) فرمود: «ای علی، آنان تو و پیروانت هستید. وعده من و شما بر سر حوضِ کوثر» (حسکانی ۱۴۱۱: ۴۶۲/۲). بنابراین، در زمان حیات رسول خدا(ص) گروهی از صحابه به دلیل محبت به حضرت علی(ع) شیعه علی خوانده می‌شدند. این گروه بعد از وفات پیامبر(ص) از طرفداران جانشینی حضرت علی(ع) بودند. با آن که واژه شیعه تحوّل یافته و بعدها مصادیق مختلفی یافت، محبت به حضرت علی(ع) و اعتقاد به جانشینی بلافضل ایشان، از ارکان اعتقادی شیعیان به شمار می‌رفت. ابوالحسن اشعری در این باره نوشته است: «آن گروه از دوستداران علی(ع) که او را بر دیگر اصحاب پیامبر(ص) برتری داده‌اند، شیعه نامیده می‌شوند.» (اشعری ۱۳۹۲: ۱۳). نوبختی شیعه را از نخستین فرقه های اسلامی دانسته و می‌نویسد: «آنان گروهی طرفدار علی بن ابی طالب(ع) هستند که در روزگار پیامبر (ص) و پس از آن با دل سپردن به او و عقیده به امامت وی مشهور بوده‌اند.» (نوبختی ۱۴۰۴: ۱۷۵). یعقوبی نیز آورده است: «شیعه بعنوان یک گروه پس از رحلت پیامبر(ص) و در مخالفت با انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه شکل گرفت.» (یعقوبی ۱۳۷۹: ۱۲۴/۲) بنابر این، نخستین کاربرد اصطلاحی شیعه را می‌توان از زمان رسول خدا(ص) دانست که در حوادث بعد از وفات ایشان و منازعات سیاسی دوره خلفای راشدین، به شکلی فراگیر مورد استفاده قرار گرفت. از این دیدگاه، سابقه تشیع خزاعه به پیش از خلافت امام علی(ع) باز می‌گردد. زیرا برخی از چهره های برجسته خزاعه از صحابه رسول خدا(ص)، از دوستداران حضرت علی(ع) و حامیان جانشینی بلافضل ایشان بودند. مانند ابوبرزه اسلمی که از راویان حدیث خیر البریه است. (حسکانی ۱۴۱۱: ۴۶۲/۲). و یا بریده بن حصیب اسلمی از مخالفان حاکمیت ابوبکر که مردم را به بیعت با حضرت علی(ع) تشویق می‌کرد. (طبرسی ۱۳۶۸: ۱۹۰/۱). به همین دلیل در دوره خلافت حضرت علی(ع) خزاعه با پیشینه ای که در محبت به ایشان داشتند، در گروه شیعیان حضرت قرار گرفته و در حوادث دوران حاکمیت اموی بر این عقیده استوار مانده‌اند. پس از شهادت امام حسن(ع) در سال پنجاه هجری، سلیمان بن سرد خزاعی بزرگ شیعیان کوفه، نامه ای جهت تسلیت به امام حسین(ع) نوشت و خود و یاران همراهش را با واژه «الشیعه» توصیف کرد. (یعقوبی ۱۳۷۹: ۲۲۸/۲). کاربرد واژه الشیعه در نامه وی، نشان از گروهی معین از امت اسلامی دارد که در منازعات سیاسی عراق از پیروان اهل بیت(ع) به شمار می‌رفتند. شیخ مفید در تبیین تشیع این دسته از محبان اهل بیت آورده است: «اگر واژه شیعه با الف و لام تعریف به کار رود، به کسانی اختصاص دارد که از باب اعتقاد به ولایت و امامت بلافضل علی پس از پیامبر، از آن حضرت پیروی کردند.» (مفید ۱۳۷۰: ۲۴). این دسته همان شیعیان اعتقادی عراق محسوب می‌شوند. پس از کشته شدن عثمان و با آغاز خلافت حضرت علی(ع) تشیع معنای عام و گسترده ای پیدا کرد. در این مفهوم طرفداران و حامیان امام علی(ع) شیعه حضرت خوانده می‌شدند. بیشتر آنان با وجود محبت به خاندان پیامبر(ص)، اعتقادی به امامت و ولایت حضرت علی(ع) نداشتند. بنابر این، در حوادث سخت و فتنه های دوره خلافت امام(ع) که نیاز به استقامت و آگاهی داشت، ایشان را همراهی نکردند. به این دلیل از آنها با عناوینی مانند شیعه عراقی و یا سیاسی یاد شده است. (جعفریان ۱۳۶۸: ۲۹/۱). در برابر این گروه، شیعیان اعتقادی قرار دارند که اطاعت از امام(ع) را واجب الهی دانسته و خلاف نظر ایشان کاری نمی‌کردند. قبیله خزاعه در بین این دسته قرار دارد. در توضیح این مطلب، عملکرد خزاعیان در حوادث دوره خلافت امام علی(ع) راهگشا است. افراد قبیله خزاعه با شجاعت و اخلاص در صحنه های سخت نبرد صفین ظاهر شدند. به ویژه بزرگان قوم که علاوه بر میدان جنگ، در عرصه سخنوری و تشویق سپاهیان عراق، سخنان بلیغی ایراد کرده‌اند. تأمل در این خطبه ها که از ایمان راسخ به حقانیت حضرت علی(ع) سرچشمه گرفته است، ماهیت تشیع اعتقادی خزاعیان را مشخص می‌سازد. هنگامی که زمزمه پذیرش حکمیت در سپاه عراق بالا گرفت؛

امام علی (ع) از فرماندهان و بزرگان سپاه نظرخواهی کرد. عمرو بن حمق درحالی که برخی عناصر سُست عنصر از قبول حکمیت سخن می‌گفتند، خطاب به امام (ع) چنین گفت: «ما برای دنیا به تو پاسخ نداده ایم و تو را بر باطل یاری نکردیم. فقط برای رضای خدا بود که به تو پاسخ دادیم و تو را برای حق یاری می‌دهیم. اگر کسی غیر از تو ما را می‌خواند، سخنان بسیار به او می‌گفتیم و سر ناسازگاری بر می‌داشتیم. حق به نهایت خود رسیده است. ما با وجود تو دارای نظر و عقیده ای نیستیم.» (ابن قتیبه ۱۳۶۳: ۱۱۴/۱). حضرت علی (ع) پس از شنیدن سخنان عمرو خطاب به وی فرمود: «کاش در میان لشکریانم یکصد نفر همانند تو بودند» (ابن ابی الحدید ۱۴۱۵: ۱۸۲/۳) عبدالله بن بدیل نیز در یکی از روزهای سخت نبرد خطاب به سپاهیان کوفه چنین گفت: «بدانید که معاویه ادعای چیزی را می‌کند که شایستگی آن را ندارد و با کسی ستیز می‌کند که هم سنگ او نیست. شما پیرو نور پروردگار هستید و برهان آشکار دارید. با این یاغی ستم پیشه پیکار کنید و از آنان بیم نکنید. یکبار همراه رسول خدا (ص) با آنها جنگیده ایم و این بار دوم است که با آنها می‌جنگیم.» (طبری ۱۳۸۷: ۱/۵). عبدالله درخطبه ی دیگری که قبل از حرکت سپاه کوفه ایراد کرده است؛ خطاب به حضرت علی (ع) می‌گوید: «آنها برای فرار از مساوات و عدالت و دوستی مال و تنگ نظری در سلطنت خویش و بر پایه کینه ای که در وجودشان دارند و به علت ضرباتی که در گذشته به آنها زده ای و پدران و برادرانشان را کشته ای با ما می‌جنگند.» (نصر بن مزاحم ۱۴۱۰: ۹۲). تأمل درسخنان عمرو بن حمق و عبدالله بن بدیل، معرفت آنان را به جبهه حق که در اطاعت امام علی (ع) تجلی یافته بود، نشان می‌دهد. به این دلیل، عبدالله بن بدیل جنگ با معاویه را ادامه غزوات رسول خدا (ص) می‌دانست. زیرا بنی امیه هیچ گاه به ارزشهای اسلامی ایمان نیاوردند. آنان به خاطر قدرت طلبی و کینه ای که از حضرت علی (ع) به دل داشتند، فتنه صفین را شعله ور ساختند. امام علی (ع) درنامه ۱۷ نهج البلاغه، دلیل اسلام آوردن خاندان ابوسفیان را این گونه توصیف می‌کند: «آنگاه که خداوند امت عرب را گروه گروه به دین اسلام درآورد و این امت در برابر دین اسلام یا از روی اختیار و یا از روی اجبار تسلیم شد، شما خاندان ابوسفیان، یا برای دنیا و یا از روی ترس در دین اسلام واردشدید.» (دشتی ۱۳۷۹: ۶۱). اقدامات معاویه و عوام فریبی وی درخون خواهی عثمان باعث شده بود، برخی افراد زود باور متأثر از تبلیغات معاویه در تشخیص حق از باطل دچار اشتباه شوند. درچنین اوضاعی که از مصادیق فتنه به شمار می‌رود، قرارگرفتن درجبهه حق، اقدامی آگاهانه و نیازمند معرفت است. مطلبی که به نظر می‌رسد قبیله خزاعه از آن سربلند بیرون آمدند. به همین دلیل، عبدالله بن بدیل یارانش را به اطاعت تمام و کمال از حضرت علی (ع) سفارش می‌کند. اسود بن طمهان خزاعی در آخرین رمق زندگی عبدالله بن بدیل از او خواست وصیت کند. پاسخ داد: «سفارش می‌کنم به ترس از خدا و به خیرخواهی نسبت به امیر مومنان و نبرد در خدمت او تا آنجا که حق آشکار شود.» (امینی ۱۳۷۲: ۳۶۵/۲).

### نتیجه گیری:

قبیله خزاعه پیش از اسلام به دلیل جمعیت، مهارت دربارزگانی و مناطق گسترده سکونت درحجاز و تهامه از قبایل مهم به شمار می‌رفت. پس از اسلام، به دلیل احترام به پیغمبران دوستی با عبدالله المطلب که در دوره جاهلیت بسط شده بود، از خیر خواهان رسول خدا (ص) بودند. بنابراین، در حوادث مختلف از جمله صلح حدیبیه و فتح مکه در کنار پیامبر اکرم (ص) قرار گرفتند. پس از رحلت پیامبر (ص) جهت حفظ مصالح مسلمانان ابوبکر را در دفع آشوب پیامبران دروغین و ارتداد قبایل عرب یاری کردند. در زمان خلافت عمر در فتوحات مناطق مختلف از جمله عراق و ایران حضور داشتند. اما در دوره خلافت عثمان به دلیل انحراف خلیفه سوم از سنت پیامبر (ص) و تبعیض در سپردن مناصب دولتی، به گروه مخالفان و معترضان حاکمیت وقت پیوستند. برخی از بزرگان خزاعه از جمله عمرو بن حمق و عبدالله بن بدیل در واقعه محاصره خانه عثمان که منجر به کشته شدن وی شد، حاضر بودند. بزرگان خزاعه پس از عثمان، با امام علی (ع) بیعت نموده و همراه با سایر افراد قبیله، با اخلاص و فداکاری در فتنه های دوره خلافت امام به ویژه جنگ صفین، حضرت را یاری کردند. به همین دلیل، در گروه قبایل طرفدار امام علی (ع) و از شیعیان آن حضرت به شمار می‌روند. در باره شواهد و قراین تشیع خزاعه، علاوه بر مخالفت با عثمان و بیعت با امام علی (ع) می‌توان به تشیع بزرگان خزاعه در گزارش منابع تاریخی و شرح حال نویسی و شهرت خزاعیان به گرایش شیعی در مناطق مختلف مانند عراق و شام اشاره کرد. با توجه به سخنان بزرگان خزاعه در بیان فضایل حضرت علی (ع) که در هنگام بیعت با امام (ع) و یا صحنه های احساس جنگ صفین ایراد شده است، می‌توان گرایش شیعی آنان را در برابر تشیع سیاسی برخی قبایل کوفه، تشیع اعتقادی دانست که از باورهای قلبی نسبت به حقانیت امام علی (ع) و برتری ایشان بر سایر مدعیان خلافت سرچشمه گرفته است.

## منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه محمددستی، موسسه انتشارات عصر ظهور، ۱۳۷۹، قم.
- ۳- ابن ابی الحدید المعتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق شیخ حسین الاعلمی، موسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۴۱۵، بیروت.
- ۴- ابن اثیر، عزّ الدین علی، أسدُ الغابه فی معرفه الصحابه، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۷، بیروت.
- ۵- \_\_\_\_\_، الكامل فی التاریخ، دارصادر، ۱۳۵۸، بیروت.
- ۶- ابن أعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶، بیروت.
- ۷- ابن حبیب، ابی جعفر محمد، کتاب المُحَبَّر، تصحیح یلزه لیختن شبتیر، دارالافاق الجدیده، بی تا، بیروت.
- ۸- ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۲۸، بیروت.
- ۹- ابن حزم الاندلسی، جَمهرَةُ الانساب العرب، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰، بیروت.
- ۱۰- ابن سعد، محمدکاتب، الطبقات الکبری، دارصادر، ۱۴۱۰، بیروت.
- ۱۱- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، دارالتراث العربی، ۱۴۱۲، بیروت.
- ۱۲- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، الامامه و السیاسة، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۳، قم.
- ۱۳- ابن فندق، علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار، نشر مروی، ۱۳۹۱، تهران.
- ۱۴- ابن کلی، هشام بن محمد بن السائب، النسب معد و الیمن الکبیر، تحقیق فردوس العظیم، قراء ریاض عبدالحمید، دارالبیظه العربیه، ۱۹۶۹، دمشق.
- ۱۵- ابن منظور محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، دارصادر، ۱۹۹۰، بیروت.
- ۱۶- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقاء، مطبعه البابی الحلبی، ۱۳۷۵، مصر.
- ۱۷- ابولفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمدجعفر یاحقی، محمدمهدی رکنی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، مشهد.
- ۱۸- ابوعلی مسکویه، احمد بن یعقوب، تجارب الامم و تعاقب الهمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، سروش، ۲۰۰۰، تهران.
- ۱۹- اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات اسلامیین و اختلاف المصلین، ترجمه محسن مویدی، امیرکبیر، ۱۳۶۲، تهران.
- ۲۰- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی کتاب و السنه و الادب، به کوشش محمد آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲، تهران.
- ۲۱- برقی، احمد بن محمد، کتاب الرجال، مصحح محمد بن حسن طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، تهران.
- ۲۲- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق احسان عباسی، دارالنشر، ۱۴۰۰، بیروت.
- ۲۳- \_\_\_\_\_ فتوح البلدان، تحقیق محمدرضوان، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸، بیروت.
- ۲۴- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا پایان قرن هفتم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، قم.
- ۲۵- حاکم، حَسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱، بیروت.
- ۲۶- خلیفه بن خیاط عصفری، تاریخ خلیفه، تحقیق سهیل زکار، دارالفکر، ۱۳۱۲، بیروت.
- ۲۷- دینوری، احمد بن داوود، اخبار الطوال، چاپ عبدالمنعم عامر، ۱۹۶۰، قاهره.
- ۲۸- سعدون حماد، تاریخ الشیعه فی لبنان، دارالخیال، بی تا، بیروت.
- ۲۹- شریف مرتضی، الشافی فی الامامه، تحقیق عبد الزهراء حسینی، موسسه الصادق، ۱۴۱۰، تهران.
- ۳۰- شوشتری، نورالله، مجالس المومنین، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۵، تهران.



- ۳۱- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دارالنعمان، ۱۳۶۸، بیروت.
- ۳۲- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تاریخ الامم و الملوک، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، روائع التراث العربی، ۱۳۸۷، بیروت.
- ۳۳- طوسی، محمد بن حسن، رجال، تحقیق جواد قیومی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۵، قم.
- ۳۴- قزوینی، عبدالجلیل بن ابی الحسن، کتاب النقض، تصحیح جلال الدین محدث ارموی، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸، تهران.
- ۳۵- کحّاله، عمر رضا، معجم القبایل العرب القديمه و الحديثه، مطبعه الهاشميه، ۱۳۶۸، بیروت.
- ۳۶- محسن، امین، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، دارالتعارف، ۱۴۰۳، بیروت.
- ۳۷- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معاون الجوهر، تحقیق اسعد داغر، دارالهجره، ۱۴۰۹، قم.
- ۳۸- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، دارالفکر، ۱۴۱۴، بیروت.
- ۳۹- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، تحقیق فضل الله زنجانی، تعلیقات واعظ چرندابی، بی نا، ۱۳۷۰، تبریز.
- ۴۰- نصر بن مزاحم منقری، وقعتة الصقین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دارالجيل، ۱۴۱۰، بیروت.
- ۴۱- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، دار الاضواء، ۱۴۰۴، بیروت.
- ۴۲- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، چاپ مارسدن جونز، موسسه اعلمی، ۱۹۶۶، بیروت.
- ۴۳- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، دارصادر، ۱۳۷۹، بیروت.